

چاپ دوم

تحلیل انسان شناختی رمان کلیدر

بازخوانی خشونت پذیری زنان ایرانی

حسن فرهنگی



پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۱۷
انواع نقد.....	۱۷
تفاوت «متن» و «اثر».....	۲۱
۱. میدان.....	۲۵
۲. سرمایه.....	۲۵
۳. تمایز.....	۲۶
۴. عادت‌واره یا هایتوس.....	۲۶
۵. خشونت نمادین.....	۲۷
انسان‌های «کلیدر» انسان پویای داستانی‌اند یا انسان ایستای قصه؟.....	۲۸
دلیل اولویت‌بخشیدن به انسان‌شناسی مارکسیستی.....	۲۸
مطالعه اثر.....	۳۲

بخش اول: ریخت‌شناسی کلیدر رفتارشناسی شخصیت‌های قصه از منظر پراپ و مقایسه

تطبیقی آن با کلیدر.....	۳۷
فصل یکم: خلاصهٔ رمان با پیش‌فرض‌های ولادیمیر پراپ.....	۳۹
۱. یکی از اعضای خانواده از خانه دور می‌شود.....	۴۰
۲. چیزی برای قهرمان قصه قذغن می‌شود.....	۴۱
۳. ممنوعیت زیر پا گذاشته می‌شود.....	۴۲
۴. ضد قهرمان می‌کوشد خبر بگیرد.....	۴۴
۵. به ضد قهرمان اطلاعاتی دربارهٔ قهرمان داده می‌شود.....	۴۵

فصل یکم: خلاصهٔ رمان با پیش‌فرض‌های ولادیمیر پراپ

با تکیه بر آرای مارکسیستی و صورت‌بندی مدنظر پیر بورديو جامعهٔ انسانی رمان «کلیدر» را واکاوی می‌کنیم تا متوجه باشیم که چگونه زیرساخت جامعه، تکیه بر خشونت نمادین، سرمایه و عادت‌واره‌ها کج بنا نهاده می‌شود. با مطرح کردن خلاصه‌ای از رمان با شخصیت‌های اصلی آشنا می‌شویم. هرکدام از شخصیت‌ها رفتارهای غلط اجتماعی را بازتولید می‌کنند که در نتیجهٔ آن نه تنها زن به‌عنوان عنصر زیرفرمان و فرودست تلقی می‌شود، بلکه خود مردان هم در مقابل خشونت‌های نمادین ذلیل و منفعل برخورد می‌کنند و رفتار خلاف تمکین آن‌ها با مرگ پاسخ داده می‌شود.

نخست از منظر پراپ عملکرد کاراکترهای قصه را تعریف می‌کنیم و بعد عملکرد کاراکترهای کلیدر را با آن مقایسه می‌کنیم. پراپ در تقسیم‌بندی خود عملکرد کاراکترهای قصه را در چند شماره عنوان کرده و اذعان داشته است که اعمال و رفتار شخصیت‌های قصه خارج از این عنوان‌ها نخواهد بود که آن‌ها را برمی‌شمریم.

با برشمردن مفرداتی که پراپ برای ریخت‌شناسی قصه‌ها در نظر گرفته چند هدف را دنبال می‌کنم که یکی از آن‌ها در لفافهٔ همین عنوان‌ها اشاره به خلاصهٔ رمان کلیدر است. تعداد ماجرا و شخصیت و فضا امکان خلاصه کردن

رومان را سخت می‌کند، اما من در اینجا فقط به داستان محوری اشاره می‌کنم و داستان‌های فرعی را نادیده خواهم گرفت. حال از عنوان‌هایی می‌گویم که پراب با دقت آن‌ها را برشمرده است.

۱. یکی از اعضای خانواده از خانه دور می‌شود

در کلیدر شخصیت‌های بسیاری را خواهیم یافت که شامل این تعریف هستند. در ابتدای رمان، مارال از خانه خود دور می‌شود و قصد نزدیکی به خانواده عمه خود در روستای دیگر را دارد. همچنین در همان ابتدا که با گل محمد آشنا می‌شویم و متوجه دور شدن وی از خانواده‌اش هستیم که این کار مستمراً ادامه می‌یابد و گل محمد بارها به قصد صیانت از خانواده از خانواده جدا می‌شود. برادر کوچک‌تر وی بیگ محمد نیز بعد از بزم‌رگی که دامن خانواده را می‌گیرد، برای امرار معاش خود و خانواده، پیش دهقانی کاری برای خود دست و پا می‌کند و در نهایت شترداری را انتخاب می‌کند و از خانواده دور می‌افتد. خان‌عمو از خانواده جدا می‌شود و همراه عده‌ای دیگر راهزنی می‌کند. کلیدر مملو از کنش‌هایی است که نخستین وضعیت عملیاتی شخصیت‌های قصه است. دامنه این حرکت در اثر کلیدر آن قدر وسیع است که اگر بخواهیم بدان پردازیم از حوصله خوانندگان خارج خواهد شد؛ چراکه در این تعریف باید به جدادگی شیرو، صوقی، خان‌عمو، مارال، ستار و غیره پردازیم که هر کدام برای عمل قهرمانانه‌ای از خانواده جدا می‌افتند. برای جلوگیری از اطناب، تنها نمونه خود را گل محمد و مارال فرض می‌کنیم که از شخصیت‌های کلیدی کلیدر هستند. پس چنان‌که اشاره شد هر دوی این کاراکترها از خانواده جدا می‌شوند. مارال به دلیل اینکه نامزد و پدرش به زندانند و بی‌کس و غریبه افتاده، به کلمیشی‌ها (خانواده پدری) پناه می‌برد. پدر او به دلیل ازدواج با مادر مارال که از ایل و طایفه دیگری بوده از خانواه طرد شده بود و ناچار با نوعروسش در روستای دیگری زندگی می‌کرد. اینک بعد از مرگ زنش و زندانی‌شدنش، دخترش مارال از خانه خارج شده‌است و در صدد یافتن فامیل‌های خود برآمده‌است. گل محمد نیز که از کلمیشی‌هاست و پسر عمه مارال است نخست